

انوار التنزیل و اسرار التأویل

تفسیر بیضاوی، از تفاسیر مختصر و بسیار مشهور، تألیف ناصرالدین عبدالله بن عمر بیضاوی قاضی، فقیه شافعی، مفسر و متکلم اشعری در سده‌ی هفتم هجری است. نام اصلی این اثر چنان‌که در مقدمه مؤلف آمده، *انوار التنزیل و اسرار التأویل* است. این تفسیر به اتفاق آراء اهل نظر در میان تفاسیر کم‌حجم قرآن کریم از محققانه‌ترین تفاسیرهاست، و سالیان دراز یکی از کتاب‌های درسی مجامع دینی بوده است. این تفسیر، دارای سبکی لطیف، عباراتی ظریف و قدرت بیانی شگفت است.

گزیده‌گویی، اجتناب از بحث‌های استطرادی و دقت فراوان در تبیین مباحث، از ویژگی‌های این تفسیر است، و به همین علت بسیاری از مفسران بر آن تکیه کرده‌اند. این تفسیر علاوه بر تأثیر بر مفسران و دانشمندان متأخر از بیضاوی، در میان معاصران او نیز نسبتاً بااهمیت و پرنفوذ بوده است. تفسیر انوار التنزیل، تلخیص و تهذیب تفسیر کشاف زمخشری است، در عین حال، بیضاوی در این تفسیر نظرات دقیق و منحصر به فردی دارد که از دید زمخشری در کشاف پنهان مانده است.

شناسه مؤلف:

مؤلف این تفسیر قاضی ناصرالدین ابوالخیر، عبدالله بن عمر بن محمدعلی بیضاوی شافعی است؛ منسوب به بیضاء که شهر معروفی در فارس بود و تا شیراز هشت فرسخ فاصله داشت. وی سمت قضاوت شیراز را بر عهده گرفت و در سمت خود برجسته، دقیق و خیر بود و بر طبق گفته سبکی در سال ۶۸۵ هجری در گذشت. وی تألیفات ارزشمندی دارد که مهم‌ترین آن‌ها، همین تفسیر است که آن را بر اساس تفسیر کشاف زمخشری نوشته است.

شناسه تفسیر:

این تفسیر، دارای سبکی لطیف، عباراتی ظریف و قدرت بیانی شگفت است و به همین علت بسیاری از مفسران از جمله فیض کاشانی در تفسیر صافی بر آن تکیه کرده‌اند. فیض کاشانی ذیل آیات اگر به روایتی از معصوم علیه السلام دست نیافته است، به نقل عبارات تفسیر بیضاوی اکتفا نموده است و در بسیاری موارد عین عبارت بیضاوی را آورده است. بیضاوی در مسائل و نکات معضل و مشکل مربوط به آیات، نظریات دقیقی دارد؛ مثلاً در تفسیر *اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ*؛ هدایت را به چهار مرحله تقسیم می‌کند که هر مرحله به دنبال مرحله دیگری است و بندگان در هنگام خواندن این آیه، از خداوند می‌خواهند که آنان را به مراتب اعلا‌ی هدایت، رهنمون سازد؛ و این، تفسیر لطیف و جالبی است از مسأله هدایت که شاید پیش از او دیگری بدان توجه ننموده است.

می‌گویند: پیرو مذهب اشعری بوده و به همین جهت با آنکه از تفسیر کشاف اقتباسات فراوانی کرده، آن قسمت از کشاف را که مربوط به مذهب اعتزال است در تفسیر خود نیاورده است؛ ولی این گفتار صحیح نیست؛ زیرا او در تفسیر خود پیرو اهل عدل و تنزیه است و به همین علت می‌بینیم بسیاری از آیاتی را که ظاهرشان مخالف دلیل عقل است تأویل می‌کند؛ به عنوان نمونه، در تفسیر آیه *الَّذِينَ يَكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ*. می‌گوید: *إِلَّا قِيَامًا كَقِيَامِ الْمَصْرُوعِ*؛ مانند حرکت ناهنجار افراد مبتلا به امراض عصبی و این معنا نوعی ردّ بر کسانی است که گمان می‌کنند شیطان با دخالت مستقیم حالت انسان را دگرگون می‌کند. سپس کلمه *مَسِّ* را به جنون تفسیر می‌کند و می‌گوید: این معنا بر اساس گمان کسانی است که می‌پندارند جن به شخصی بر می‌خورد و بدن او را لمس می‌نماید و عقلش را زایل می‌کند.

این تفسیر اساساً مختصر و خلاصه تفسیر کشاف زمخشری است؛ ولی از تفسیر کبیر امام فخر رازی و هم‌چنین از تفسیر راغب اصفهانی نیز بهره گرفته و پاره‌ای اقوال و آراء صحابه و تابعان را نیز در آن آورده است. البته در تفسیر آنان از خرد و اندیشه هم استمداد جسته و نکات جالب و زیبا و استنباطات دقیقی را در ضمن آن‌ها بیان کرده است و همه این‌ها با اسلوبی جالب و موجز و مختصر و عباراتی آمده است که گاهی چنان دقیق می‌شود که جز اهل بصیرت و ذکاوت بدان پی نمی‌برند. وی گاهی به ذکر قرائت‌های مختلف هم توجه نشان می‌دهد و موارد شاذ را هم می‌آورد و بدون تفصیل و با اختصار به مسائل نحوی نیز می‌پردازد. هم‌چنین در تفسیر آیات الاحکام، بعضی از مسائل فقهی را نیز بیان می‌کند؛ بدون آن که سخن به درازا بکشد.

روش تفسیری:

امتیاز برجسته تفسیر بیضاوی این است که اخبار و روایات اسرائیلی را - جز اندکی - نیاورده است و گاهی هم که روایتی می‌آورد، در آغاز روایت می‌گوید: گفته‌اند یا روایت کرده‌اند؛ به این دلیل که می‌خواهد ضعف روایت را بر خواننده روشن سازد. هنگامی که به تفسیر و توضیح آیات مربوط به

مسائل طبیعی و هستی نیز می‌پردازد، بدون شرح و توضیح از آن‌ها نمی‌گذرد. شاید این روش، از طریق تفسیر کبیر امام فخر رازی به تفسیر وی راه یافته باشد. اینک عین عباراتی را که او خود درباره روش تفسیرش و منابعی که بر آن‌ها اعتماد کرده است، می‌آوریم. وی در مقدمه این تفسیر می‌گوید:

دیر زمانی است که با خود می‌گفتم کتابی در این فنّ (تفسیر) تألیف کنم که در بردارنده خلاصه و برگزیده اقوال و آرای بزرگان صحابه و علمای تابعان و دانشمندان و مفسران بعدی و شامل نکات مهم و لطایفی باشد که دست آورد خودم و علمای بزرگ و محققان پیشین است؛ هم‌چنین وجوه مختلف قرائت‌های مشهور را که از قاریان معروف نقل شده و نکات شاذی را که از قاریان معتبر روایت گشته، روشن کند. در پایان تفسیر می‌گوید: نگارش این کتاب که شامل نواذر اقوال خردمندان و برگزیده سخنان بزرگان و چکیده نظریات علمای امت در تفسیر قرآن و فهم معانی آن و کشف و توضیح واژه‌های مشکل آن است، با اختصار و به دور از اخلال و خالی از اضلال به پایان رسید.

به هر حال این کتاب مورد استقبال و پذیرش همگان قرار گرفت و بسیاری همه یا بخشی از آن را برای تدریس در نظر گرفتند و یا بر آن حاشیه نوشتند.

شروح و حواشی بر تفسیر بیضاوی:

تفسیر بیضاوی به سبب جمع میان زیبایی تعبیر و قوت بیان، پس از تألیف و از اوان انتشارش مورد توجه دانشمندان و حوزه‌های علوم اسلامی قرار گرفته، و مورد تدریس، شرح و حاشیه واقع شده است. حاجی خلیفه در کشف‌الظنون در مقاله مفصلی که درباره انوارالتنزیل دارد، حواشی کامل و جامع بر آن را متعدد دانسته است. آقابزرگ تهرانی هم حواشی و تعلیقات نوشته شده از سوی دانشمندان امامیه بر تفسیر بیضاوی را متعدد دانسته است. از دید حاجی خلیفه پرفایده‌ترین و سودمندترین حاشیه کامل بر تفسیر بیضاوی، حاشیه محیی‌الدین محمدبن مصطفی قوجوی معروف به شیخ‌زاده از علمایی قرن دهم هجری است. این حاشیه، از شروح مفصل ادبی و بیانی تفسیر بیضاوی است که برای طلاب و محصلان علوم قرآنی نگارش شده است؛ این شرح بسیار کامل و جامع و عبارات آن بسیار سلیس است و در میان اساتید و دانشجویان تفسیر از شهرت به‌سزایی برخوردار است و بارها به چاپ رسیده است. ذهبی مشهور ترین حواشی بر تفسیر بیضاوی را حاشیه قاضی‌زاده، حاشیه شهاب و حاشیه قونوی می‌داند. آقا بزرگ نیز یکی از بهترین حواشی غیر کامل بر تفسیر بیضاوی را، حاشیه شیخ بهایی می‌داند.